

## قتل رهبر جنبش سیاه‌جامگان

۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۰۹

ابومسلم خراسانی در ماه شعبان سال ۱۳۷ هـ ق به دستور منصور (۱۳۶ - ۱۵۸ ق)، خلیفه عباسی به قتل رسید. او در زمان مرگ احتمالاً ۳۷ یا ۳۳ ساله بوده است. وی یکی از فرماندهان نظامی ایران و رهبر جنبش سیاه‌جامگان بود که توانست با براندازی حکومت بنی امیه، حکومت بنی عباس را پایه گذاری کند

ابومسلم را امین آل محمد می گفتند. [۱] نام اصلی ابومسلم، بهزادان فرزند ونداد هرمز ذکر شده است [۲] همچنین نام او را ابواسحاق ابراهیم بن حیکان نیز ذکر کرده‌اند. [۳] برخی او را از نوادگان شیدوش پسر گودرزیا رهام پسر گودرز می دانند. همچنین برخی منابع نسب او را به بزرگمهر رسانده‌اند. [۴]

گفته می شود که تغییر نام وی به ابومسلم به درخواست ابراهیم امام (م ۱۳۱ ق) بوده تا نام فارسی وی دستاویزی برای مخالفان عباسیان نباشد [۵]. این احتمال نیز وجود دارد که مجهول ماندن اصل و نسب ابومسلم، تمعدا توسط حکومت بنی عباس صورت گرفته باشد تا نقش دیگران در براندازی حکومت کمرنگ جلوه نماید. ابومسلم در سال ۱۲۴ هـ ق چون از زندان رهایی یافت، نزد ابراهیم امام رفت، وی پس از دیدن و آزمودن ابومسلم، او را به خراسان فرستاد تا کار دعوت عباسیان را که چندی بود در خراسان آغاز گشته بود به دست گیرد.

در این هنگام ابومسلم نوزده سال بیش نداشت [۶] توطئه قتل ابومسلم در شرایطی رخ داد که ابومسلم پس از شکست دادن دشمنان خلیفه در عراق، بدون بازگشت به مداین، قصد عزیمت به خراسان نمود [۷]. اما خلیفه عباسی، منصور از آنجا که از شوکت و عظمت ابومسلم در خراسان بیمناک بود، طی نامه ای از وی خواست که نزد وی بیاید.

ابومسلم ابتدا قصد پذیرش این دعوت را نداشت، اما نهایتاً پذیرفت [۸]. با ورود ابومسلم، خلیفه او را مورد اکرام قرار داد و از وی خواست تا روز بعد نزد او بیاید. [۹] در روز بعد، خلیفه به تعدادی از سربازان خود ماموریت داد تا مخفی شوند و زمانی که خلیفه

سه بار دستانش را به هم زد، بیرون آیند و ابومسلم را بکشند [۱۰].

با ورود ابومسلم، خلیفه نخست با حيله، شمشیر او را گرفت و او را خلع سلاح کرد و سپس زبان به نکوهش وی گشود و از جمله او را در خصوص کشتن سلیمان بن کثیر سرزنش کرد [۱۱] و زمانی که با پاسخ متکبرانه ابومسلم مواجه شد، دستانش را سه بار بر هم زد تا سربازان از موضع خود خارج شدند و او را به قتل رساندند [۱۲] پیش از این در زمان سفاح، ابوجعفر منصور، سفاح را به کشتن ابومسلم ترغیب کرده بود ولی سفاح پس از موافقت اولیه، با انجام آن مخالفت کرده بود [۱۳]. پس از کشته شدن ابومسلم گروهی از یاران وی به خراسان رفتند و به سندباد پیوستند و سر به نافرمانی بلند کردند. [۱۴]

پی نوشت:

[۱]- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ینگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۷، ج دوم، ص ۲۷۵.

[۲]- زرین کوب عبدالحسین، دوقرن سکوت، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۲۰.

[۳]- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ابومسلم خراسانی

[۴]- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، مدخل ابومسلم، ص ۲۲۸.

[۵]- همان

[۶]- دو قرن سکوت، ص ۱۲۲.

[۷]- طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر، تهران، چاپ اول ۱۳۵۳، ج یازدهم، ص ۴۶۹۸.

[۸]- تاریخ طبری، ج یازدهم، ص ۴۷۰۱.

[۹]- تاریخ مسعودی، ج دوم، ص ۲۹۴.

[۱۰]- یعقوبی احمد بن اسحاق ، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۳، ج دوم، ص ۳۵۵ و تاریخ طبری، ج یازدهم، ص ۴۷۰۵.

[۱۱]- تاریخ یعقوبی، ص ۳۵۶.

[۱۲]- ابن خلکان ، وفیاتوالعیان، چاپ قاهره، ۱۳۶۷، تحقیق و تعلیق: محمد محی الدی عبدالحمید، ج دوم، ص ۳۲۹. و تاریخ مسعودی، ج دوم، ص ۲۹۵.

[۱۳]- تاریخ طبری، ج یازدهم، صص ۴۶۷۸ - ۴۶۷۹.

[۱۴]- تاریخ یعقوبی ، ج دوم، ص ۳۵۶.

منبع: سخن تاریخ

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۰۵۳۱/فتا-رهبر-سیاه-جنبش-رهبر-فتا/۳۰۵۳۱>